رای کار گردانی که ادعای مؤلف بــودن ندارد هر گز نخواســته بــرای خوشــایند گروهی از



کیارش اسدیزاده، کارگردان فیلم شکاف:

## اگریایان فیلمم تلخ نبود،تاثیرگذار نمیشد

**زهــرا نجفی–شــهروند|** کیـــارش اســـدیزاد ساختهاش «شکاف» در بخش سودای سيمرغ سيوسومين دوره جشنواره فيلم فجر حضور دارد، درحالي كه هنوز فيلم اولش «گس» اكران نشده. البته شنیدهها حاکی از آن است که این فیلم هم در گروه اکران «هنر و تجربـه» به نمایش در خواهد آمد. اسدى: ادەبادختر كوچكش پيش از نمايش فيلم وي سن حاضر می شود و می گوید، فیلمش را به او تقدیم کرده چون دخترش دلیل ساخت فیلم جدیدش است. بااو در محوطه کاخ جشنواره درباره فیلم جدیدش گفتو گو کردیم که درادامه می خوانید. شما در فیلم اولتان «گس» خیانت را محور

قصههای فیلمتان قرار داده بودید، چه شد که در فیلم «شکاف» به سراغ مسأله مسئولیت پذیری يدرومادرهانسبت به فرزندشان رفتيد؟ آياشما پدرومادرهانسبت به فرزندشان رفتيد؟ آياشما دغدغه اين مسأله را داشــتيد يا صرفا به دنبال داستانی بودید که فیلم دومتان رایسازید؟

بله من دغدغهاش را داشتم. به هر حال هر سینما گری در فیلمهای بعدی اش به سـراغ موضوعات متفاوتی می رودوبه لحاظ موضوعی دنباله روفیلههای قبلی اش نیست. زمانی که من فیلم «گس» را ساختم، احساس می کردم مسأله خیانت در جامعه ما دامنگیر و پررنگ است. به همین دلیل من هم ناخوداً گاه در آن قضا قصهای درباره این موضوع به تصویر کشیدم. اما در فیلم «شکاف»، موضوع برایم از جوانب دیگری هم مهم بود، چون خودم هم صاحب فرزند شدم. همچنین در ر برای که بازوجهای همنسلم داشتم متوجه شدم برای همه آنها بچدار شدن یک مسأله مهم و قابل تأمل است. البته دیدگاههای متفاوتی درباره این . موضوع بين آنها وجود دارد كه من احساس در موردشان حرف زده شــود. خصوصا این که بچهدار شدن ُبرای بعضی از ُخانواده ها تبدیلُ به یک روز مرگی شده و اهمیت خودش را برای آنها از دست داده است. شده واهمیت حودش را برای انها از دست داده است. نتیجه این تفکرها ونیاز به حرف زدن درباره این مسأله منجر بمساخت فیلم ونشگاک شد. پیش از نمایش فیلـــم و در تیتـــراژ، فیلم را به دختر تان تقدیم کردید، آیاصوفا تولد دختر تان

# در ساخت این فیلم تاثیر گذار بود یا ماجرای

نه، فقط همین بحث تولد دختر م تاثیر گذار بود؛ یعنی زمانی که من و همسرم تصمیم گرفتیم بچخدار شوید. زمانی که من و همسرم تصمیم گرفتیم بچخدار شوید من بااین مساله از زاوید دید خودم بهتیوان یک پدر روبهرو و در گیر ماجرایی شدم که منجر به ساخت این فیلم شد، بنابراین فکر می کنم اگر ما چنین تصمیمی نمی گرفتیه، او به دنیا نمی آمد و من با اهمیت این ماجرا آشنا نمی شدم، اصلا فیلمی با چنین موضوعی

ی چرا شــما در این فیلم به دلایــل اختلاف مادر و پدر ایلیا کـه نقششــان را پارســا پیروزفر و رپ ر ت ... سحر دولتشــاهی بازی می کنند، نمی پر دازید؟ میخواســتید توجه مخاطب را به صورت کلی متوجهموضوع بچه در خانواده کنید؟

، برای این که دغدغه اصلی ام در این فیلم زوجی بودند که هانیه توسلی و بابک حمیدیان نقش شان را بازی می کردند زوجی که تازه میخواستند تصمیم

بگیرند بچهدار شوند. چون میخواستم این پیام را منتقل کنم که باید از همان مراحل ابتدایی، قبل از این که بچهای به وجود بیاید به همه چیز فکر کر دوهمه ین ۱۰۰ بر نظر گرفت. درحالی که از عمر زندگی زوج جوانب را در نظر گرفت. درحالی که از عمر زندگی زوج دوم فیلم ۱۰ سال گذشته و یک بچه ۸ ساله در مسیر آن زندگی به وجود آمده است. در ادامه هم می بینیم که ین زندگی خراب شده و از بین رفته و آدمها درنهایت خودخواهی دارند به بد بــودن این فضا دامن می زنند. چیزی که می شود پیشگیری و درمان کردزندگی زوج اول است که هنوز فرزندی ندارند. برای همین دوست داشتم شخصیت زوج اول، شـخصیتهای اول فیلم

در فیلم تان برای هـ دو زوج یک دلیل اجباری برای بچهدار شــدن گذاشتید، زوج اول می گویند به خاطر قانونــی در ســربازی و زوج دوم به خاطر بیماری زن مجبور به بچهدار شدن میشوند. فکر .....ری رن سبور به بچه دار سدن می سوند. فجر می کنید زوج های جوان چطــور می توانند در این فضای جبر مسأله بچه دار شدن را مدیریت کنند؟ قصدداشتیدچنینجبرهاییرابهچالشبکشید؟

بله، من قصد داشــتم در لایههــای زیرین این فیلم قدهای اجتماعی که در این زمینه وجبود دارد را به نقدمدی جنبستی ۔ چالش بکشم متاسفانه ما در کشورمان قوانینی داریم پ س بسم بسم سرالهای بزرگی وجــود دارد و که روی آنها علامت ســوالهای بزرگی وجــود دارد و تبدیل به یک مسأله چالش برانگیز شدهاند. هماننداین جدیں: یا حصد پاکسی برحدیر سند سند سیر جنس قوانین که در دورهای وجود داشت که براساس آن اگر کســـی دارای فرزند کوچک بود م*ی تو*انســت خدمتُ ســربازیاُش را دُر محلُ زندگُــیاش بُگذراند. البته درحال حاضر هــم قوانین اینچنینی با تغییرات اندکی وجود دارد. این قوانین باعث می شوند تا یک نفر به خاطر این که ۲سال از زندگی آش را راحت تربگذراند، بدون حساب و کتاب زندگی یک فرد دیگر را هم در گیر

# یادم هست حتی سـحر دولتشاهی دیالوگی در فیلم داشـت که می گفت: «ما از اول هم با هم مشکل داشت. "

البته این موضوع که بیسن خانوادههای ایرانی رواج زیادی دارد؛ یعنــی خانوادههایی که اصولا حال خوبی ندارندو احساس می کننداگر یک بچه بیاورند حالشان خوب می شود. به نظرم این خَیلی نگاه اسْتَباهی است که ما در مورد سرنوشت یک انسان داریم. درواقع نگاه خودخواهانهای است و ما روی زندگی یک انسان ریسک می کنیم. من به شخصه با فلسفه بچهدار شدن مشکلی ندارم، خودم هم دارای فرزند هستم ولی به نظر مدرستش این است که باید بافکر به سمتش رفت. پایان قصه زندگی زوج دوم تلخ بود، نتر سیدید كەمخاطبان بەاين دليل فيلم تان رايس بزنند؟

نیستند؛ یعنی برای هر جبرانی دیر است. «شکاف» با چنین رویکردی اگر پایانش اینقدر تلخ نمی شد توانست امیدیخش باشد. امید بخشی که منح ىمى وواست امىدىجىتى باشد، امىد بوتتى كە منجر بەر ندگى پەتر شود و قطعا تاثىر گذار نمىشد. واقعا نگرانش نسودە، البته پىش يىنى مى كىردىم كە اين حجم از تلخى براى بەھنى خوشايند نباشد، ولى من بە دنبال تاثير گذارى بودە نە صرفا گيشە يا مخاطب

جشنواره تنهادر صورتى موفق بهنگهداشتن تماشاگران

می شوند که فیلمهای خوبی باشند. «یحیی سکوت نکرد» به کار گردانی کاوه ابراهیم پور از جمله این فیلمها

بود که در آخرین سانس روز پنجشنبه به نمایش درآمد و بااین که در بخش «هنر و تجربه» حضور داره، توانست علاقهمندان زیادی را تا آخرین لحظه در سالن نمایش نگه

- صرح کرد دارد.همچنین بازی بازیگر خردســـال این فیلم بارها در سالن مورد تشویق حضار قرار گرفت.فاطمه معتمداریا به

غیرازاینفیلم،با «بهمن»به کارگردانی مرتضی فرشباف

در رور پنجم جسنوره خاصر بود. رضا حداد، حامد کمیلی، مهناز افشـــار، سارا بهرامی، مهدی پاکدل، بهنوش بختیاری، بهروز شعیبی، مسعود آبپرور، غزل شـــاکری، مهدی نـــادری، یدالله صمدی،

بادداشت منتقد

## درباره فيلمسازى مصطفى كيايي

## مثل یک سر آشیز فیلمهایش بدون تیتراژ هم دارای ویژگیهایی



مصطفی کیایی در سینمای ایران نمونه نالبی است. او فیلم به فیلم بهتر شده. فروش نیایی مربار افزایشی محسوس داشتهاند و در عین حال توانسته نزد منتقدان جدی سینما هم مقبولیت بیابد. درواقع او کارگردانی مثال زدنی سات از جریانی که «سینمای بدنه»اش میخوانیم و متاسفانه در یک دهه . اخیر با فیلمهای پرفروش و تجاری تعریف شدهاند. کیایی ثابت کرد که می توان بین سلیقه مخاطبان عام و خاص پُل زد و ضمن ساختن فیلمهای پر فروش و پر کششش برای مخاطبان عام، نظر مخاطبان سختگیرتر و حتی داوران برار کی این براری کی این براری کی این جائی کیایی جائی کیایی آمیزهای از نگاه اجتماعی، طعنههای سیاسی، ر گههایی از طنر و در عین حال شوخیها و تلخیهایی باورپذیر در جهان اثرند او مثل یک سرآشپز کاربلد به خوبی فهمیده از هر طعمی سر راسید با دربیده به خوایی عهیمیده از هر شعهی چه میزان به دسست پخت بیفزاید که محصول نهایی آش دانقدهای مختلف را رضاء کند، نکتهٔ قابل تأمل دیگر واقع بینی او در کار گردانی است. کیایی تا پیش از خط ویژه این تعداد میزانسن شلوغ را در هیچ یک از فیلمهایش نداشت. هرگزیی گدار به آب نــزد. فیلم به فیلم پخته تر شد و در نهایت سال گذشته تسلط خود را در دكوپاژ سُكانسهاى شلوغ ونيز در نوشتن فيلم امهُای پرشخصیت به رخ کشید . هیچ یک از این دستاوردها نیز تمرکز او را از مؤلفههای اصلی کارش دُور نکرده است. درواقع کیایی از معدود

فیلمسازانی ست که ضمن چسم داشتن به گیشه و موفقیت در ساخت آثاری پرفروش،

نَخاطبان به فيلمسازي اجتماعي و تلخانديش بدل شود،امتیاز ویژهای ست. بدل شودامتیاز ویژهایست. نکته قابل توجه دیگر درباره کیایسی دوران فیلمسازی اوست کیایی در دورهای توانست فیلمهای اجتماعی بار گههای سیاسسی بسازد، لحن طنز را به جبهه ببرد، از فساد اقتصادی و ظهور آفازادهها بگوید که این مسائل بسیار حاد بودندو از سوی دیگر سینمای اجتماعی بود که روز به روز محدودتر میشد و تولیدات این جریان با سرنوشتهای عجیب و غریبی روبهرو میشد. کیایی بــه خوبی توانســت کنار خط قرمزها زیگز اِگی حرکت کند، فیلمش را بسازد والبته هرگز آثارش بامشکلی برخوردنکند. او به فیلهسازی و تداوم کارش اندیشیده است. هرگز تها رصر را رای را در بیاورد. هیچگاه گلهای نخواسته ادای قربانی را در بیاورد. هیچگاه گلهای بابت سر نوشت فیلمهای خودنکر ده است. هرگاه فیلمهای او اکران شدهاند، کیایی به فکر فیلم بعدی بوده است. او آن قدر به خوداطمینان داشته که بداند فیلمش تهیه کننده را به ســود خواهد رساند. هیچ تهیه کنندهای از همکاری با کیایی پسیس بیست به به بین در چهد سینمای ایران نخستین تجربههایشان با کیایی بوده است. رضا رخشان در ضدگلوله و منصور لشکری قوچانی در خط ویدره. دومی تهیه کُننده فیلُم جَدید کیایی هم هس چین مصد میمار سید میری مارست. یعنی رضایت یعنی کیایی چشماندازی وسیع تر ز این پیشش رو دارد که بخواهد حتی به قیمه دُلخوری تهیه کننده فیلم بُسازد او به گامهای بعدىمىانديشدوهمچنان حواسشبه تركيب

# ازشايعات تااعتر افاتي كهمسكوت نماند

**شے وند | ج**هارمین و پنجمین روز سے دوره جشّنواره فيلم فجر با شايعاتي دُرباره اكران فيلم «محمد(ص)»مجید مجیدی در آخرین سانس روز جمعه، ۱۷ بهمن و فیلمهای چالش برانگیزی همراه بود که توجه اهالی رسانه و هنر را به خود جلب کردند. رفتوبر گشتبین کمدی واندوه؛

## .ر لحنزندگیاست

«دورانعاشقی»به کار گردانی علیر ضارئیسیان توانست عده بیشتری را به سالن کاخ جشنواره یکشاند اما «عصر یخبندان »فیلم طلایی روزچهارم جشنواره فیلم فجربود. فیلمی که توانست تشویقها و توجهات زیادی را به خود جلب کند. فرهـاد اصلانی، یکی از بازیگــران این فیلم، ــ سمى، يحى از بازيگــران اين فيلم، پيش از آغاز نمايش آن، با اشاره به ريتم تند فيلم، ديدن آن رامانندنشست د. همان ... نرامانندنشستن در هواپیمایی دانست که بایدبابس کمربنداز موانع عبور کرد. مصطفی کیایی در نشس خبری فیلمش درباره این که چرا بعضی از لحظات بازی فرهاد اصلانی در نقش محسن برای تماشاگران خنده دار . ود، گفت: «تمیدانم چرامن یک فیلم تلخ ســاختم اما هُمه در سینما می خندند. فکر می کنم دلیل این مسأله

ازی محسن باشد چراکه او کلا خندهدار است. من کار گردن در سینمای کمدی را دوست دارم اما باید شرایط آن اتفاق بیفتد.»اوادامه داد: «من دوست دارم در فیلمهایم بین لحنهای مختلف زندگی حرکت کنیم رفت و برگشت بین کمدی واندوه در فیلمنامه مانندلحن زندگی است و س این لحن رابسیار دوست داشتی» رُخْديوانهُ،اعترافات خطرناک

## .. پرُمخاطبیداشت

«رخدیوانه»به کار گردانی ابوالحسن داوودی و «اعترافات ذهن خطرناکمن»به کار گردانی هومن سیدی به دومین روز جشنواُره رونق خاصی بخشــیدُند و باب گفت و گو و بحث رابین مخاطبان باز کردند.داوودی که بعد از سال ها بااین فیلم به جشنواره آمده، معتقد است، آنچه در فیلم "ی «خدیوانه»بهنمایش در آمده،حقیقتجامعهامروز ایران ست: «بعداز ســاخت فیلم تقاطع انتقادهای درستی از طیف جوانان به من شد به این معنی که بازخوردهای متفاوتی از جوانان داشتم که تأکید کردند، فیلم «تقاطع» منعوبی رجوان دستم نه تا نید تردند. دیم سفاطع » را از نگاه خودم و درواقع از نگاه خودم به عنوان یک پدر به نسل جوان سَــاُخُتهام ً درواقع معَتقد بودنُد که آرمان

مدام این سوال را از خود پرسیدهام که آیا اصولا من حق دارم تعریف وسلیقه خودم از آنچه جوان بایدانجام دهدرا تحميل كنم؟ و حالام . گويم بايد بانگاه تا: واي به مسائل اجتماعی و به خصوص اتقلاب اطلاعاتی پیش آمده نگاه کنیم، هومن سیدی هم در نشست خبری فیلمش عنوان کرد که دوست دارد آدمهای غیرواقعی را نشان دهدو از این کار لذت می سرد، او همچنین می گوید که افسانه های ایرانی منبع خیلی خوبی برای فیلمسازی هستند، امامن هنوز خودم را در سطحی نمی بینم که دراین باره فیلمی بسازُم، زیرافرُصَ آزمون و خطانیست و بایدهمه چیز کامل یاشد.

### «یحییسکوتنکرد»مخاطبانشراتاآخرین لحظهدر سالن نگهداشت

این روزها و شــبها، اهالی سینما و رســانه تا آخرین

خودم را منتقل کر دهام.» او ادامه داد: «در ادامه این روند

## ، پررور محمدحسین حقیقی، رضا برجی، علی روئین تن، جمیل رستمی و داریوش فرهنگ و از مدیــران نیز محمدهادی ایازی، قائم مقام وزیر بهداشت تماشاگر فیلم «عصر یخبندان»بودند روز پنجشنبه با توجه به تعطیلی رسانه ها، کاخ جشنواره شـلوغ ترین روز خود را در ۵روز

ساعات شب بیدار هستند و در اولین ساعات صبح بیدار میشوند تابه فیلمهای ساعت ۱۰ صبح جشنواره برسند. فیلمهایی که کارگردانانی با نامهای بزرگ و گذشتهای درخشان أنها راسًـاُختەاند.اما فيلمهاُي آخرين سانس

فيلمى كەبەسادگى شكل گرفت **پویاپارسامقام** اندوین گرفیلم بهمن

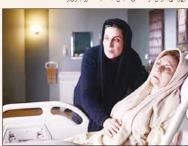
> ود ٣ يا ۴سال پيش مثل همان بعدازظهر ۔ ہے۔۔۔۔۔۔ تی برہ۔۔۔۔۔۔۔ ۔۔دمیدانم حتی حدسے را میزد کے دارد باً ۳ خودرو جابه جاً می شُدند. پس تجربه آن فیلم هیچ ربطی به بودن سرصحنه ای که با آن همه آدم

بعداز ظهر بود کے بامر تضی تماس گرفتم تا در مورد پوســـتر فیلمش با هم گـــپ بزنیم گفت دارد برای بولتن جشنواره مطلبی که به یادداشت کارگر دُان مُعروف استُ مُی نویسد، با آن که رسم نیست امااز او خواستم تا اگر می شود من این مطلب ابنويسم واوطبق خلقش نه نگفت.

حدود ۲ یا ۳سال پیش متل همان بعدرطهر زنگ زدو گفت در ماشینش وقتی منتظر دوستی بود که دیر کرده بود، داســـتان کوتاهی خوانده که میخواهدار آن یک فیلم بســـازد مثل هر کســی که از رسیدن نابهنگام یک ایده دارد خل می شود، تازه چند دقیقه ای بود داستان را تمام کرده بود، همین سادگی شروع شدو این که من از او خواستم تا چیزی در مــورد بهمنش که حــالا «بهمن» ما هم هست بنویسم، شاید همین است که خودم را شاهد اولین حضورش می دانم. برای من «بهمن» طور دیگری گذشت. در میان تصام آن ۵۰و ۶۰ نفری که با او بودند من تازه کار ترین نفر به حساب . ودم؛ فیلمی کمهزینه بود کــه کل عواملش تنها

سرسروسی میستاندست مرز جهدات اتفاقی در «پهمن» که برای ساخته شدن فیلمی در اندازهای آن ماجرای مرسومی بود، برای من مثل یک عذاب بود. گروه در میگون با آن سرما مشغول کار شد فکرش را بکنید در فیلمی که در تمام طول داستانش باید برف میبارید، هیچ برفی نبارید. آن هم در برفخیزترین نقطه استان. تماشای تلاش دیگران که چطور در طول ۷۵ جلسه فیلمبرداری، زمستانی که آرام ارام به بهار رسیدراحفظ کردند تا بهمن آخرین روزهای فیلمبرداری اش را در هوای مطبوع بهاري قيطريه تمام كنداز يادنر فتني است. یادم است که آخرین برفها را گروه جلوههای ویژه روی شکوفههای درختان خانه قیطریه دادند. ٌ مُرتضی در طول فیلمبرداری فیلمش به نظرم چیزی حسدود ۱۰۰۰ صفحه کتاب و مجله خواند. این کارش مراً دیوانه می کرد و به او می گفتم چرا حال خرابش از ماجراهای تولید فیلم را با خواندن

پنهان می کنــد می گفتم ایــن کارش رو اعصاب پایان دیگران می رود و کار در ستی نیست. اما او طبق خلقش همان کاری را می کرد که دلش بود. ماهها بعدوقتسي يكي ازبچه هماي توليدرا ديدم حال . مرتضی را پرسید و گفت سر سریالی مشغول اد و چون شبها در لو کیشن می ماند، کولهاش را پر از ر برار کا برای کا در ده تا مشل مرتضی وقتش را هدر ندهد.من هنوز نمی دانه در فیلمهای دیگر اوضاع از چەقرار استامابە گواەبچەھاى «بھمن»اين فيلم ، طور دیگری بود.



جشنواره از نگاه دوربین



مهتاب كرامتى بههمراهباز يكرخر دسال فيلمعصر يخبندان

# 14بلیت برای یک نفر

برپاییاشسپریکرد.

درروز پنجم جشنواره حاضربود.

چهارشــنبه ۱۵بهمن ۱۴ بلیت یکی از فیلمهای جشنواره فیلم فجر توسـط یک نفر خریداری شد. روز چهارشــنبه ۱۵ بهمن دیده شده که یک نفر ۱۴ بلیت یکی از فیلمهای سیوســومین جشنواره فیلم فجر را خریداری کردهاست؛فیلمی که دربین آرای بهترین فیلماز نگاهمردم جزو ر این از است. نکته جالب دربارهاین اقدام این است که روز چهار شنبه پس از شمارش آرای فیلم مربوطه ۱۴ رأی «اصلا نمی پسندم» برای آن تُبتَ شُده استَ. گویافیلمسازاُن برای رقابت در عرصه هنر، راههای دیگری جز قوت بخشیدن به آثار شان راانتخاب کردهاند فروختن ۱۴ بلیت به یک نفر در حالی در سینمااستقال صور ت گرفته که سال گذشته نیز مسئولان سردر عنی در سیده سنده و اور سنده می درست بین دست. جشنواره از مدیران سینماها خواهش کرده بودند بیش از ۵بلیت را به یک نفر نفروشند تا به نوعی از چنین اقداماتی جلوگیری شود.

# «عصریخبندان» کماکان صدرنشین

نیلمهای «عصریخبندان» به کارگردانی مصطفی کیایی با میانگین سیستان مه سطح محمد می به میکند. امتیاز ۱۳۱۲ حایز رتبه نخست، «۶ دیوانه» کار کردای ایوالحست دلودی با مبانگین امتیاز ۱۳۱۳ رتبت دویه «کوچه بی نام» به کار گردایی هافت طبیدهای استانگین امتیاز ۱۳۱۳ سیومین زنجاز آزاری مرضی را در چهار مین روز چشنواره بعضت آزار دند مجیدی براسانی آمار باز شسطرش ۱۴ هزاره ۱۳۵۶ رای در روز پنجم جشنواره فیلم «رخ دیوانه» شسطرش ۱۴ هزاره ۱۳۵۶ رای در روز پنجم جشنواره فیلم «رخ دیوانه» ستسرس ۱ مورو ته ۱۱ برای نادرورو پنجم بسید به کاراگردانی ابوالحسن اورودی باشد. غیلم «صدر یخبندان» به کارگردانی مصطفی کیایی با مبانگین امتیاز ۱۲/۱۲ رتبه دوم و فیلم «کوچه بی نام» به کار گردانی هانف علیمردانی با میانگین امتیاز ۲/۱۳ رتبه سوم را در اقبال تماشاگران به خود اختصاص

نتایج آرای مردمی در روز چهارم و پنجم جشنواره

# عباس کیارستمی به تماشای «بهمن» نشس

عباس کیارســـتمی، کارگردان مطرح سینمای ایران ۱۵ بهمن ماه به دیدن فیلم سینمایی «همن» ساخته «مرتضی فرشیاف» نشست. این کارگردان صاحبنام سینمای ایران، در سانس ساعت ۱۵ در سینما فرهنگ۲ همراه مرتضی فرشسیاف، این فیلسم را دید. «بهمن» دومین فرهنگ ۲ همراه ترتفی فرنسباف این فیلسم (ادید هیمن» دومن سامت است که پیش آزاین بهافیلم هروشی خواس نیداماست که پیش آزاین بهافیلم هروشی سامت این به نام هما پرستار مجرب بیمارستان است که پیشنهاد شب کاری به نام هما پرستار مجرب بیمارستان است که پیشنهاد شب کاری دو موالیت از خانهم مستی را می بذیر دادر اولیت روز کاری آن اولین و و ما این می بادر به در این اولین و نام اولین در بخری می در بخش می و بده بی نام در بخش می و موسومیت و نام او می تواند بخواید «بهم» هر بر بخش می وسومیت حید می تواند و میتواند و میتواند و میتواند و میتواند بودر می ایند

عوامل فيلم رخ ديوانه در اولين ساعات صبح روز پنجم